

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><span></span></div></div>		<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><span></span></div></div>
<p><b>نگاهی به فضایل علی<sup>(ع)</sup> در قرآن</b></p>		
<p><b>به شهادت کتاب</b></p>		

♦ **خیر البریه**

جابر بن عبدالله انصاری می گوید روزی پیامبر<sup>(ص)</sup> علی<sup>(ع)</sup> را دید که به سوی ایشان می آید. فرمود: «قسم به کسی که جانم در دست اوست، همانا این علی<sup>(ع)</sup> و پیروان او در روز قیامت همان رستگار‌اند.» آنگاه آیه خیرالبریه بر ایشان نازل شد: «همانا کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند بهترین مخلوقات‌خدایند.»<sup>۱</sup>

از آن پس هر گاه یاران رسول خدا<sup>(ص)</sup>، علی<sup>(ع)</sup> را می دیدند، به‌هم می گفتند این بهترین مردم‌است که‌می آید.

تعبیر خیرالبریه نشان می‌دهد میان تمام مخلوقات، موجودی بهتر و مقرب‌تر از علی<sup>(ع)</sup> وجود ندارد.

از همین‌روست که پیامبر<sup>(ص)</sup> به‌علی<sup>(ع)</sup> فرمود: «ملائکه‌بادوستی و پذیرش ولایت تو به خداوند متعال تقرب می‌جویند، به خدا سوگند‌دوستان تو در آسمان بیشتر از زمین هستند.»<sup>۲</sup>

♦ **اطعام مستمندان**

ابن عباس می گوید حسن<sup>(ع)</sup> و حسین<sup>(ع)</sup> بیمار شدند. پیامبر<sup>(ص)</sup> به علی<sup>(ع)</sup> گفت خوب بود ندری برای شفای فرزندان خود می‌کردی. علی<sup>(ع)</sup> و فاطمه<sup>(ص)</sup> و فزه که خادمه آنها بود نذر کردند که اگر آنها شفا یابند سه روز روزه بگیرند. حسین هم گفتند ما هم روزه می‌گیریم. چیزی نگذشت که آنها شفا یافتند. علی<sup>(ع)</sup> برای افطار مقداری جو تهیه کرد و فاطمه<sup>(ص)</sup> یک‌سوم آن را آرد کرد و نان پخت. هنگام افطار سالی به در خانه ایشان آمد و گفت: «ای اهل بیت محمد<sup>(ص)</sup>! سلام بر شما. من مسلمانی هستم مسکین غذایی به من بدهید. خداوند به شما از غذاهای بهشتی مرحمت کند.» حضرت علی<sup>(ع)</sup> غذای خود را به آن فقیر داد و به پیروی از آن حضرت همگی سهم خود را به او دادند و آن شب با آب افطار کردند. روز دوم، فاطمه<sup>(ص)</sup> بخش دیگر را برای افطار آماده کرد و هنگام افطار یتیمی بر در خانه آمد. آن روز هم غذای خود را به او دادند و بار دیگر با آب افطار کردند. در سومین روز، اسیری هنگام افطار بر در خانه آمد، باز هم سهم غذای خود را به او دادند. هنگامی که صبح شد، علی<sup>(ع)</sup> دست حسن<sup>(ع)</sup> و حسین<sup>(ع)</sup> را گرفت و خدمت پیامبر<sup>(ص)</sup> آمدند.

هنگامی که پیامبر<sup>(ص)</sup> آنها را مشاهده کرد، دید از شدت گرسنگی می‌لرزند! فرمود: «این حال شما بر من سخت است.» سپس بر خاست و با آنها وارد خانه فاطمه<sup>(ص)</sup> شد. دید در محراب عبادت ایستاده و از شدت گرسنگی چشم‌هایش به گودی نشست. پیامبر<sup>(ص)</sup> ناراحت شد و در همین هنگام جبرئیل نازل شد و گفت: «این سوره (سوره انسان) را بگیر، خداوند با چنین خاندانی به تو تهنیت می‌گوید.» پس از آن جبرئیل طبعی از غذاهای بهشتی برای ایشان آورد و آنان را اطعام کرد.

ابن عباس می گوید این آیه در شأن علی<sup>(ع)</sup> و فاطمه<sup>(ص)</sup> نازل شد: «آنها به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که شر و عذابش گسترده است می‌ترسند و غذای خود را با اینکه به آن علاقه دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند او می‌گویند! ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سیاسی از شما نمی‌خواهیم.»<sup>۳</sup>

♦ **اولی الامر**

«ای کسانی که ایمان آوردید از خدا اطاعت کنید و نیز از رسول

آیه، و بزمنامه دین و فرهنگ همنهتری جوان

و صاحبان امر خود اطاعت ورزید. پس اگر در چیزی نزاع کردید داوری آن را به خدا و رسول وانهد اگر به خدا و جهان آخرت ایمان دارید که این بهتر است و سرانجام نیکویی دارد.»<sup>۴</sup>

جابر بن عبدالله انصاری می گوید وقتی این آیه بر پیغمبر<sup>(ص)</sup> نازل شد، از ایشان سوال کردم ما خدا و رسولش را شناختیم تا اطاعتشان کنیم. اما اولی الامر که خداوند اطاعتشان را با اطاعت شما قرین کرده‌است چه کسانی هستند؟

پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> فرمود: «جابر! آنان جانشینان من و پیشوایان مسلمانان پس از من هستند که نخستین آنها علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup>‌است…» و آنگاه نام تک‌تک امامان<sup>(ع)</sup> را برد.

این آیه مبنی بر اطاعت اولی الامر و قرار گرفتن این اطاعت در ردیف اطاعت پروردگار و رسول<sup>(ص)</sup> حاکی از عصمت ایشان آالولی الامر<sup>۵</sup> است؛ زیرا خداوند مردم را به پیروی و اطاعت از فرد گناهکار و خطاکار امر نمی‌کند. حتی در برخی از منابع معتبر پیروان مکتب خلفا نیز از رسول خدا<sup>(ص)</sup> نقل شده‌است که مراد از اولی الامر در این آیه تنها امیرالمومنین<sup>(ع)</sup> و امامان از فرزندان او هستند.<sup>۶</sup>

♦ **لیله‌المبیت**

مفسر معروف اهل تسنن، «ثعلبی» می‌گوید وقتی پیامبر<sup>(ص)</sup> تصمیم به مهاجرت از مکه گرفت، علی<sup>(ع)</sup> را برای ادای قرض‌های خود و تحویل دادن امانت‌هایی که نزد ایشان بود به جای خویش قرار داد. شب هنگام که می‌خواست به سوی غار «ثور» برود، مشرکان اطراف خانه‌ای را برای حمله به او محاصره کرده بودند. دستور داد علی<sup>(ع)</sup> در بستر او بخوابد. علی<sup>(ع)</sup> با کمال میل پذیرفت که جانش را اسیر بلاکند.

در این هنگام خداوند به جبرئیل و میکائیل وحی فرستاد که من بین شما برادری ایجاد کردم؛ کدام یک از شما حاضر است زندگی دیگری را بر خود مقدم شمارد؟ هیچ‌کدام حاضر نشدند. در این حال به آنان وحی شد که هم‌اکنون علی<sup>(ع)</sup> در بستر محمد<sup>(ص)</sup> خوابیده و آماده شده که جان خویش را فدای ایشان کند. به زمین بروید و حافظ و نگهبان او باشید.

وقتی جبرئیل بالای سر و میکائیل پایین پای علی<sup>(ع)</sup> نشست. بودند، جبرئیل گفت مرحبا بر تو ای علی<sup>(ع)</sup>، خداوند به واسطه تو بر فرشتگان مباحث می‌کند. در این هنگام آیه نازل شد: «و از میان مردم کسانی هستند که جان خود را به خاطر خشنودی خدایم فروشند و خداوند نسبت به بندگان خود مهربان است.»<sup>۷</sup>

♦ **نجوی**

وقتی پیامبر<sup>(ص)</sup> در جمع مسلمانان حاضر می‌شدند، تعداد زیادی از مردم که بین آنان دنیاطلبان و منافقان و اغنیانیز بودند که می‌خواستند مسائل شخصی خود را با پیامبر<sup>(ص)</sup> در میان بگذارند و با آن حضرت گفت‌وگوی سری داشته باشند. در این میان همان گروه منفعت‌طلب اتفاقاً گوی سبقت را از دیگران ربودند و با این روش سعی کردند تا به پیامبر<sup>(ص)</sup> نزدیک شوند و این‌گونه وانمود کنند که با ایشان سر و سری دارند.

زیاده‌روی در این کار وقت پیامبر<sup>(ص)</sup> را می‌گرفت و ایشان را اذیت می‌کرد و باعث ناراحتی و نگرانی طبقه مستضعف می‌شد. زیرا آنان که از شدت محبت به پیامبر<sup>(ص)</sup> می‌خواستند رعایت حال ایشان را کنند، سهم کمتری داشتند. در اینجا یاتی نازل شد تا چه‌ره منافقان را از دوستان واقعی پیامبر متمایز کند: «کسانی که ایمان آورده‌اید وقتی می‌خواهید بار رسول خدا<sup>(ص)</sup>‌نجا کنید، قبل از آن صدقه‌ای بدهید. این برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است و اگر توانایی نداشته باشید خداوند غفور و رحیم است.»<sup>۸</sup> دیگر از کسانی که تا چندی قبل در رازگویی با پیامبر<sup>(ص)</sup> از همدیگر سبقت می‌گرفتند خبری نبود. آیا آنان حتی به کمترین مقدار

# پیامبر

صدقه هم تن درندادند؟! پس میان مسلمانان آیا فرمانبرداری پیدا نشد؟ کسی که رازگویی با پیامبر را خریداری کرده باشد. علی<sup>(ع)</sup> فرمود: «در قرآن آیه‌ای وجود دارد که قبل از من کسی به آن عمل نکرد و پس از من هم کسی بدان عمل نمی‌کند. موجودی من یک دینار بود، آن رایه‌ده درهم تبدیل کردم. پس هر گاه می‌خواستم خدمت پیامبر<sup>(ص)</sup> بروم و با ایشان نجوا کنم، یک درهم از آن را صدقه می‌دادم. این کار را تا ده بار تکرار کردم تا اینکه فرمان دیگری از جانب خدا آمد و آن حکم را نسخ کرد و بدین سان کسی جز من به آن آیه جامه عمل نپوشانید.»<sup>۹</sup> تفسیر طبری و الدر المنثور این ماجرا را نقل کرده‌اند.

♦ **هدایت**

«کافران می‌گویند چرا نشانه آشکاری از پروردگارش براو نازل نشده؟ توفقط بیم‌دهنده‌ای و برای هر گروه هدایت‌کننده‌ای است.»<sup>۱۰</sup> فخر رازی از ابن عباس چنین نقل می‌کند: «پیامبر<sup>(ص)</sup> دستش را بر سینه خود گذاشت و فرمود منم منذر! سپس به شانه علی<sup>(ع)</sup> اشاره کرد و فرمود تویی هادی! و به وسیله تو بعد از من هدایت‌یافتگان هدایت می‌شوند.»

پیامبر<sup>(ص)</sup> برای آنکه راهنما و هدایتگر پس از خود را معرفی کند در گفتاری می‌فرماید: «هر کس که می‌خواهد آن‌گونه که من زندگی کردم، زندگی کند و آن‌گونه که من می‌میرم بمیرد و در بهشت برینی که خدای من آن را وعده داده است، جای گیرند باید ولایت علی<sup>(ع)</sup> را بپذیرد؛ چرا که او هرگز شمارا از «راه هدایت» برون نمی‌برد و به گمراهی وارد نمی‌کند.»

♦ **مباحله**

پیامبر<sup>(ص)</sup> نمایندگان به سوی گروهی از مسیحیان سرزمین نجران فرستاد تا آنان را به اسلام دعوت کند. بزرگان نجران به مدینه آمدند و درباره ادعای پیامبری ایشان به بحث و مناظره پرداختند. پس از آن درباره چگونگی میلاد مسیح<sup>(ع)</sup> با آن حضرت بحث کردند و درباره آن محاجسه می‌کردند. تا آنکه پیامبر<sup>(ص)</sup> به دستور خداوند آنان را به مباحله دعوت کرد:

«هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده [باز] کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند به آنها بگو بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت کنیم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت می‌کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آنگاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.»<sup>۱۱</sup>

آنها یک روز مهلت خواستند و پس از مراجعه به روحانی بزرگشان، او به آنها گفت شما فردا به محمد<sup>(ص)</sup> نگاه کنید، اگر با فرزندان و خانواده‌اش برای مباحله آمد، از مباحله با او بترسید و اگر با یارانش آمد با او مباحله کنید زیرا چیزی در بساط ندارد.

فردا پیامبر<sup>(ص)</sup> در حالی آمد که دست علی<sup>(ع)</sup> را گرفته بود و حسن و حسین<sup>(ع)</sup> پیش رو و فاطمه<sup>(ص)</sup> پشت سرش بودند. نصاری هم بیرون آمدند در حالی که روحانی‌شان پیشاپیش آنها بود.

با دیدن این صحنه بزرگشان به پیامبر<sup>(ص)</sup> عرض کرد: «ای ابوالقاسم، با تو مباحله نمی‌کنیم. مصالحه می‌کنیم…»

بر اساس این آیه، علی<sup>(ع)</sup> نفس، یعنی جان پیامبر<sup>(ص)</sup> معرفی شده است. زیرا منظور از ایناننا در آیه حسن و حسین<sup>(ع)</sup> هستند و منظور از نسانا فاطمه<sup>(ص)</sup> و منظور از انفسنا علی<sup>(ع)</sup> است.

♦ **صراط مستقیم**

سلام بن مستنیر جعفی می‌گوید: روزی از امام باقر<sup>(ع)</sup> پرسیدم معنی این آیه شریفه چیست: «این راه مستقیمی است که برعهده من است.»<sup>۱۱</sup>

فرمودند: «آن صراط علی بن ابیطالب<sup>(ع)</sup> است.»

### نکته

**مزدی به نفع خودتان**

تمامی پیامبران گذشته به مردم می‌گفتند ما از شما اجر و مزدی نمی‌خواهیم، تنها اجر ما بر خداست.

در حالی که خدا به پیامبر<sup>(ص)</sup> می‌فرماید: «بگو مزدی از شما نمی‌خواهم، جز دوستی خویشاوندان نزدیکم.»<sup>۱۲</sup> وقتی این آیه نازل شد، از رسول خدا<sup>(ص)</sup> سوال کردند خویشاوندانی که محبت آنان بر ما واجب است چه کسانی‌اند؟ فرمود علی<sup>(ع)</sup> و فاطمه<sup>(ص)</sup> و پسران آنان.

در جای دیگر قرآن می‌فرماید: «بگو مزدی را که در خواست کرده‌ام سود آن برای خودتان است، مزد من جز بر خدا نیست.»<sup>۱۳</sup> یعنی این محبت و مودت که بر شما واجب کرد پروردگار، کمندی است برای تکامل و اصلاح خودتان.

بھی نوشت:

۱- بحوال الانوار ج ۹۳، ص ۵۳

۲- بِأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (بنه – ۷)

۳- بحوال الانوار ج ۳۹، حدیث ۳

۴- يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْغَافِلُونَ وَيَتَذَكَّرُ الْمُتَعَمِّقُونَ يَوْمَئِذٍ كَانَتْ شُرُوعُ مَسْئَلَتِهِمْ لِيُطْعِمُوا مِنَ اللَّحْمِ الْمَخْتَلَمِ عَلَىٰ خَيْبِ مَسْئَلِكِهِمْ لِيُطْعِمُوا سِوَا الْإِنْسَانِ لَطِيفُ كَيْفِهِ يَوْمَئِذٍ يَلَهُ وَاللَّهِ الْآخِرُ وَلَهُ الْآخِرُ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ لَوْلَا (نساء – ۵۹)

۵- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِّعُوا اللَّهَ وَاطِّعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِن كُلِّ شَيْءٍ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَهُوَ وَسِعُ كُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (نساء – ۵۹)

۶- يتابع المودع ص ۳۴۲

۷- وَمِنَ النَّاسِ مَن يُشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْغَاتٍ وَاللَّهُ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ (فجره – ۲)

۸- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا جَاءْنَاكُمْ بِالْحَقِّ الْمُبِينِ إِنَّمَا نَحْنُمُ الرَّسُولُ كَمَا جَاءْنَاكُمْ بِالْحَقِّ فَذَكَّرْكُمْ خَدَقَهُ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَالطَّيِّبُ فَإِن لَّمْ يَجِدُوا إِلَّا اللَّهَ فَغُورٌ رَّحِيمٌ (مجادله – ۱۲)

۹- وَيُؤْتِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا أَلْوَابِلَ عَلَيْهِ إِيمَانٌ وَبِمَا آمَنَاتٌ مُّذَرِّو لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (عد – ۷)

۱۰- فَمَنْ حَاكَمَكَ فِيمَ مَن بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَوَّلْنَا وَتَعَوَّلَ آئِنَامَا وَأَنَّهُ كَمِمْ نَسَامَا وَنَسَاهُ كَمِمْ نَفْسَانَا فَاسْتَمْتُمْ لِمِمْ تَهْتَلِ فَتُخَلِّ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (آل عمران – ۶۱)

۱۱- قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ (حجر – ۴۱)

۱۲- قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ بِأَجْرٍ إِلَّا أَلَمُودَّةً فِي الْفُرْقَى (سوری – ۳۳)

۱۳- قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِّنْ أَجْرٍ فَوَيْلٌ لَّكُمْ إِنِ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ (سبا – ۳۷)